

باز نشر؛ اعلامیه حزب حکمتیست

کارگران، باز نشستگان علیه تهاجم ضد کارگری دولت بپا خیزیم !

در باره برنامه هفتم توسعه رژیم اسلامی

صفحه ۲

یادداشت هائی در باره جنگ اسرائیل در غزه (۱)

وجوه اشتراک دو حکومت آپارتاید در ایران و اسرائیل

سیاوش دانشور

صفحه ۴

به پیشواز ۲۵ نوامبر روز جهانی

منع خشونت علیه زنان برویم !

هلاله طاهری

صفحه ۶

آتش بس "بشردوستانه"

کودکان غزه، حیوانات نذری !

آذر ماجدی

صفحه ۷

سنگرهای فروریخته حکومت در برابر

سیل اعتراضات جامعه !

ملکه عزتی

صفحه ۸

افزایش فشار و احضار دانشجویان در آستانه ۱۶ آذر روز

دانشجو

امیر عسگری

صفحه ۹

یادداشت هائی در باره جنگ اسرائیل در غزه (۲)

آتش بس موقت چهار روزه

سیاوش دانشور

صفحه ۱۰

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

۷۲۶

حکمتیست
کمونست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۳ آذر ۱۴۰۲ - ۲۴ نوامبر ۲۰۲۳

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت

۱۶ آذر

"فرزند کارگرانیم، کنارشان می

مانیم!"

علیه فقر و فلاکت، علیه

آپارتاید جنسی!

دانشگاه سنگر دفاع از آزادی و برابری، سنگر دفاع از مبارزه و اتحاد کارگران، سنگر دفاع از آزادی و برابری زن و مرد، سنگر دفاع از آزادی بیان و انتقاد، و یک پایگاه مبارزه علیه استبداد و استثمار و ارباب در جامعه است. برای اولین بار در چهار دهه اخیر، دانشگاه های سراسر کشور در مبارزه ای متحدانه برای سرنگونی رژیم اسلامی، نفی عملی و انقلابی قوانین آپارتاید و تفکیک جنسیتی، در همراهی با و شرکت فعال در برآمد توده ای ۱۴۰۱ نقش ویژه ای ایفا کردند. جمهوری اسلامی متقابلاً به اخراج و پاکسازی وسیع اساتیدی که با رژیم همراهی نکردند و دانشجویان انقلابی دست زد و آخوند و بسیجی و روضه خوان لمپن را در معیت نیروی سرکوب به دانشگاه ها فرستاد. هدف جمهوری اسلامی بازپس گیری دستاوردهای جنبش انقلابی و بازگرداندن دانشگاه به دوران سیاه "انقلاب فرهنگی" سروش و حزب الله بود، همانطور که در مراکز آموزشی حدود بیست هزار مدیر و معلم را برکنار و اخراج و بازنشسته کرد. این تمهیدات بموازات تهاجم گسترده به طبقه کارگر و صندوق های بیمه و افزایش سن بازنشستگی و کاهش دستمزدها همراه بود. اما هیچکدام از این سیاستها به نتایج مورد نظر حکومت نرسید؛ جامعه مرعوب نشده، زنان کوتاه نیامدند، نسل جدید گردن خم نکرد، کارگران

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



کارگر و معلم و دانشجو پای بفشاریم! علیه آپارتاید و فاشیسم و نسل کشی از تهران تا غزه و تل آویو، علیه جنگ ارتجاعی دولتهای سرمایه داری، علیه کودک کشی و نژادپرستی حرف بزنیم و با کارگران در کشورهای منطقه و جهان همبستگی انترناسیونالیستی مان را اعلام کنیم. در ۱۶ آذر از جانب‌اختگان خیزش انقلابی و مبارزه برحق شان تجلیل و بر ادامه راهشان تا پیروزی تاکید کنیم.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست دانشجویان انقلابی در سراسر دانشگاه های کشور را به برگزاری اجتماعات در مناسبت ۱۶ آذر فرامیخواند. برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، برای برپایی یک جامعه آزاد و مرفه و خوشبخت سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱ آذر ۱۴۰۲ - ۲۲ نوامبر ۲۰۲۳

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت ۱۶ آذر

”فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم!“

علیه فقر و فلاکت، علیه آپارتاید جنسی!

از مراکز مهم صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، صنایع کلیدی فولاد و خودروسازیها، کادر درمان و آموزش، بازنشستگان در سراسر کشور در اعتراض مستمر و روزافزون اند. این اعتراضات تخته پرش برآمد مجدد توده ای - کارگری است و دانشگاه ها باید آگاهانه به استقبال آن بروند.

امسال در مناسبت روز دانشجو، ضروری است بیش از هر زمان نگاه ها به جنبش کارگری و حمایت از اعتراضات و اعتصابات کارگری برگردد. یک جنبش انقلابی توده ای قدرتمند برای پیروزی تنها میتواند متکی به افق اجتماعی و عمل سیاسی و اعتصابی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر باشد. جنبشی که در ابقای هیچ نوع تبعیض و ستم و نابرابری و ایجاد شکافها و دسته بندی های کاذب هویتی منفعتی ندارد. جنبشی که پرچمدار مبارزه علیه زن ستیزی و آپارتاید جنسی، علیه فقر و فلاکت، علیه استثمار و استبداد بوده و آزادی و برابری و رفاه را برای همگان میخواهد. برابری طلبی و هشیاری سیاسی دانشجویان، اعاده حرمت دانشجو و درهم شکستن قوانین تفکیک جنسیتی، تقابل روشن و بدون ابهام با نظم ستمگر و ارتجاع غیر حکومتی و اعلام تعلق به جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، کاراکتر سیاسی و اجتماعی اعتراض دانشجویی و نسل جدید را منعکس میکند.

امسال بیش از هر زمان تاکید کنیم:

”فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم!“ علیه فضای مختنق و جداسازی جنسیتی و بازسازی آپارتاید بشوریم! برای آزادی دانشجویان و کلیه زندانیان سیاسی و لغو احکام انطباطی و امنیتی صدایمان را بلند کنیم! علیه بازاری کردن آموزش و تبدیل دانشگاه به تجارخانه و برای آموزش رایگان در تمام سطوح تاکید کنیم! متشکل و متحد شویم، بر اتحاد

بازنشر!

اعلامیه حزب حکمتیست

کارگران، بازنشستگان علیه تهاجم ضد

کارگری دولت پیاخیزیم!

در باره برنامه هفتم توسعه رژیم اسلامی

با ارائه متن نهایی تنظیم شده برنامه هفتم توسعه رژیم جمهوری اسلامی به مجلس، برنامه های اقتصادی دولت رئیسی برای سال های اخیر روشن شده و در میان همه موارد آن بیشتر از هر چیزی، تعرض و هجوم همه جانبه آن به حقوق بازنشستگان و شاغلان از طریق فصل پنجم این برنامه بیش از پیش به چشم می آید. در این فصل که در رابطه با سیاست گذاری های مربوط به سن و سابقه بازنشستگی و صندوق های تامین اجتماعی و بازنشستگی تنظیم شده، رفته رفته بخش زیادی از حقوقی که پس از سال ها مبارزات جامعه در تاریخ معاصر دو رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی مجبور به اعطای آن به طبقه کارگر و کل جامعه شدند، پس گرفته شده است. موارد مورد هجوم قرار گرفته که عامل تضییع حقوق بازنشستگان و شاغلان ایران محسوب می شود، به شرح زیر است:

تجمیع و مصادره دولتی صندوق ها
۱- اقدام به تجمیع و ادغام تمام صندوق های بازنشستگی از تامین اجتماعی (صندوق کارگران بخش خصوصی) و صندوق بازنشستگان کشوری (صندوق کارگران و کارمندان دولت) و صندوق های خاص دیگر کارگران (صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و کشاورزان، صندوق کارگران فولاد، صندوق کارگران نفت و...) و حتی صندوق نیروهای مسلح در یک صندوق واحد زیر نظر دولت جمع می شوند. به این ترتیب صندوق تامین اجتماعی که بزرگترین صندوق بازنشستگی کشور محسوب شده و از اموال تشکیل شده از کار کارگران بخش خصوصی است، همه با اموال مایملک آن به دولت واگذار می شود. دولت مالک این صندوق نیست و همه شرکت ها و خود این صندوق متعلق به کارگران است و صندوق در حالی دولتی می شود که خود دولت به صندوق بدهکار است. بدهی دولت به این صندوق ها که حاصل تحمیل سخت ترین تعهدها به این صندوق ها و استقراض غیرقانونی از طریق عدم تسویه تعهدات دولت است، بیش از ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود و هنوز تسویه نشده است.

افزایش سن بازنشستگی

۲- سن بازنشستگی در برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی به افراطی ترین شکل ممکن در راستای اجرای سیاست های سرمایه داری آن هم با تبعیض در حق زنان کارگر افزایش یافته است. حداقل سن بازنشستگی مردان در طی یک برنامه زمان بندی شده قرار است از ۵۰ سال به ۵۶ سال افزایش یابد. این در حالی است که سن بازنشستگی زنان که همواره ۵ سال از مردان کمتر بوده، از ۴۵ سال به ۵۳

بازنشر؛

اعلامیه حزب حکمتیست

کارگران، بازنشستگان علیه تهاجم ضد

کارگری دولت پیاخیزیم!

در باره برنامه هفتم توسعه رژیم اسلامی

سال افزایش یافته که با این حساب سن بازنشستگی مردان شش سال و سن بازنشستگی زنان هشت سال افزایش یافته است. در مشاغل و فعالیت‌هایی که کارگران آن جزء مشاغل سخت و زیان‌آور حساب می‌شوند، سن بازنشستگی از ۴۵ سال برای مردان به ۵۰ سال و از ۴۰ سال برای زنان به ۴۵ سال افزایش پنج‌ساله پیش‌بینی شده است. به این ترتیب یکی از دست راستی‌ترین اصلاحات بازنشستگی که در کشورهای سرمایه‌داری مرکز هم بی‌سابقه است، در این برنامه ۵ ساله اجرا خواهد شد. این درحالی است که ادعای دولت سرمایه‌داری این است که سن بازنشستگی به دلیل رشد بدهی‌ها باید افزایش یابد؛ بدهی‌هایی که دولت خود به اعتراف کارشناسان خودش، عامل اصلی ایجاد آن است!

افزایش سهم بیمه کارگران

۳- درحالی که در بخش مالیات‌ها و بیمه بیشترین معافیت و بخشش مالیاتی و بخشش پرداخت بیمه برای کارفرمایان (به اسم حمایت از تولید) صورت گرفته و از سوی دیگر دولت جمهوری اسلامی برای رفاه حال طبقه سرمایه‌دار واردات خودرو را در همین برنامه آزاد کرده است، بیشترین فشار در صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی از جیب طبقه کارگر پرداخت می‌شود. در مشاغل با حداقل دستمزد، سهم کارگران از پرداخت حق بیمه یک درصد افزایش و سهم دولت یک درصد کاهش یافته است. در مشاغل که کارگران با حقوق بالای حداقل کار می‌کنند، سهم حق بیمه کارگران از ۷ درصد به ۹ درصد افزایش یافته و سهم کارفرمایان و دولت هرکدام یک درصد کاهش یافته است. به این ترتیب کارگران باز هم برای بازنشستگی شدن باید سهم بیشتری را از دستمزد خود پرداخت کنند. همچنین کارفرمایان از تعهد بیمه کلیه کارگرانی که می‌خواهند بیش از ۳۰ سال کار کنند، معاف شده و مطابق با بند (ز) فصل پنج این برنامه، افرادی که می‌خواهند تا ۳۵ سال کار کنند، خود باید بدون تعهد کارفرما خود را بیمه کنند.



دستکاری در سابقه کار و سنوات

۴- در بند (ژ) برنامه توسعه دولت جمهوری اسلامی، ملاک پرداخت حقوق بازنشستگی به جای دو سال آخر حقوق دوران اشتغال، میانگین ۵ سال آخر حقوق تعیین شده است. با این حربه زیرکانه بورژوازی،

علا صندوق‌های بازنشستگی تنها متعهد به پرداخت ارزش ریالی پنج سال آخر آن هم به صورت میانگین حقوق می‌شوند. به این ترتیب، با وجود تورم فزاینده و افت شدید ارزش پول ایران، کارگران با میانگین حقوق بسیار کمتری بازنشست می‌شوند. به این ترتیب ارزش حقوق بازنشستگان جدید شاید نصف دوره‌های قبل خود شود.

دور جدید خصوصی سازی ها

۵- همه صندوق‌های بازنشستگی و خود سازمان تامین اجتماعی در ازای بخش اندکی از بدهی دولت به آن‌ها، از دولت شرکت‌های (معمولاً زیان‌ده) دولتی دریافت کردند. این شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌ها مانند شرکت دخانیات، کل مجموعه عظیم شستا، مجموعه شرکت‌های صبا و صدها شرکت و کارخانه دیگر متعلق به صندوق‌ها هستند. دولت در این برنامه قرار است به بهانه جلوگیری از فساد، کلیه این شرکت‌ها را در بورس فروخته و خصوصی‌سازی کند و تنها سود سهام دولت از این شرکت‌ها (که قرار است ۸۰ درصد آن‌ها مدیران خصوصی داشته باشند) به صندوق‌های بازنشستگی داده شود. این درحالی است که با حساب این بندها، رسماً مجوز خصوصی‌سازی بانک رفاه کارگران به عنوان سرمایه شکل گرفته کارگران ایران که از اموال طبقه کارگر است، مصادر شده است.

این حمله همه جانبه به حقوق بازنشستگان و کارگران شاغل (که بازنشستگان فردا هستند) عملاً یکی از بزرگترین تهاجم‌ها به حقوق طبقه کارگر و جامعه پس از تحولات بزرگی مثل اصلاحات ارضی محسوب می‌شود. تهاجمی که به جای مقاومت منفعلانه، تعرض بی‌امان طبقه کارگر و جامعه را به اهداف و مقاصد دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی می‌طلبد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست طبقه کارگر در بخشهای مختلف را به یک مقابله قدرتمند علیه روند جاری و ابطال طرح توسعه هفتم فرامیخواند. این حق پدیده کارگران است که توسط نمایندگان منتخب شان بر صندوق‌های کارگری و بیمه و بازنشستگی و امور خود کنترل و نظارت داشته باشند. این اموال مال دولت نیست و دولت حق ندارد به آنها دست بزند. طرح کنونی، برنامه هفتم توسعه رژیم و فروش اموال جامعه توسط دولت به بخش باصلاح خصوصی که عمدتاً همان حکومتی‌ها در قالب شرکت‌های خصوصی اند، تحت عنوان "مولد سازی"، یکی از گسترده ترین حملات به سطح معیشت طبقه کارگر در متن یکدوره انقلابی است.

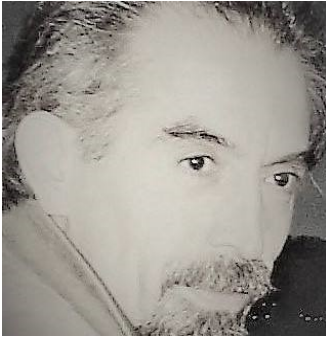
کارگران هنوز برسر دستمزدهای سال جاری در کشمکش اند که دور جدیدی از تعرض به سفره خالی و سطح معیشت آنها شروع شده است. این طرح ضد کارگری را باید توی صورت نویسندگانش کوبید. کارگران، بازنشستگان، علیه تهاجم همه جانبه دولت مرتجع اسلامی پیاخیزیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲ تیر ۱۴۰۲ - ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳

«تورم، گرانی، بلای جان مردم»



شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



با حماس نمی جنگد، فلسطینی ها را می کشد. حماس و جمهوری اسلامی نیز با ارتش و دولت اسرائیل نمی جنگند، یهودی ها را می کشند. منطق هر دو سو نژادپرستانه و متکی بر نفی دیگری با توجیهی مذهبی است. در پروژه نفی اسرائیل و در پروژه نفی فلسطین نیروهای متعددی هستند که ضرورتاً هواخواه اسرائیل یا حماس یا

یهودی و مسلمان نیستند. فاشیست

های ضد یهود اروپا متحد نتانیاهو در کشتار و کودک کشی اسرائیل هستند. سلطنت طلب ها و فاشیست های ایرانی همراه نتانیاهو و ارتش اسرائیل و فاشیست های دنیا برای نابودی فلسطینی ها هورا می کشند. موئتلفین دولت اسرائیل، بویژه در اروپا و آلمان که از یکسو زیر فشار آنتی سمیتسم و گناه پسا-هولاکاست هستند و از سوی دیگر معادله جعلی "حماس = فلسطین" را فرض میگیرند، نسل کشی اسرائیل را با عنوان مضحک "حق دفاع از خود" توجیه می کنند .

حماس و حزب الله و جمهوری اسلامی نیز همین چهارچوب را در سمت مقابل دارند. برای جنبش اسلامی که معادله "یهودی = صهیونیست" را دارد، موجودیت اسرائیل زیر سوال است و هر یهودی هر جا یک هدف محسوب میشود. برای اسلاميون مسئله ملی فلسطین و حل آن هیچ جایگاهی ندارد. طرح جمهوری اسلامی و "رفراندم برای یک دولت"، در عین حال که ممکن است عقب نشینی تاکتیکی و زبانی از شعار "نابودی اسرائیل" تلقی شود، راهی بی پایه و کمک دوافکتو بر تداوم اشغالگری اسرائیل در فلسطین است. تصور اینکه بعد از هشت دهه خصومت بتوان در یک کشور زندگی کرد، تنه به بلاهت سیاسی میزند. برای اسلام سیاسی مسئله نه فلسطین و مردم فلسطین بلکه استفاده از این زخم برای ترویج اسلامیسیم و آپارتاید ضد زن در منطقه، تقابل با روندهای انقلابی و پیشرو، و اساساً نفی مسئله فلسطین با دامن زدن به یهودی ستیزی است. چپ های محور مقاومتی و شرکا که حماس را "جزئی از مقاومت فلسطین" نام میگذارند، در ایدئولوژی حماس و نتانیاهو اشتراک دارند .

کودک کشی

خامنه ای و نتانیاهو، سران حکومتهای آپارتاید یهودی و اسلامی هر دو ضد کودک و کودک کش اند. خامنه ای و خمینی کرور کرور کودکان را برای پاکسازی میدانهای مین کشتند. در طول چهارده دهه کودک کشی، تجاوز شرعی به کودک زیر نام ازدواج، رواج پدوفیلی اسلامی، بازداشت و قتل کودکان زیر شکنجه، کشتن کودکان در خیابانهای تهران و کرج و ایذه و سنندج و هر گوشه ایران در برآمد انقلابی شهریور ۱۴۰۱، نمونه های اخیرند. کودک کشی نتانیاهو اما در کمتر از دو ماه رکورد زده است. قریب ۶۰۰۰ کودک فلسطینی را نتانیاهو جلوی چشم دنیا کشته است. بین هر ۷ تا ۱۰ دقیقه نتانیاهو در راس ماشین جنگی آپارتاید اسرائیل یک کودک فلسطینی را می کشد. این کودک کشی و نسل کشی فلسطینی ها با تائید جهان دمکراسی غربی و در راس آنها آمریکا صورت میگیرد.

سرمایه داری هار فاشیستی

هر دو رژیم آپارتاید از حکومتهای سرمایه داری اند. سرمایه داری با نیروهای تندرو فاشیست و راست ضد کارگر. کم کشور سرمایه داری در دنیا در زمینه شکاف طبقاتی و شاخص فلاکت و تبعیض های مختلف با ایران قابل مقایسه است. سرمایه های نجومی طبقه سرمایه دار ایران روی دوش استثمار شدید بخشهای مختلف طبقه کارگر و بیحقوقی مطلق و ایجاد شکاف مستمر بین احاد طبقه کارگر و مردم ارتزاق میکند. نژادپرستی علیه افغانستانی ها و اخراج

یادداشت هائی در باره جنگ اسرائیل در غزه (۱)

وجوه اشتراک دو حکومت آپارتاید در ایران و اسرائیل

سیاوش دانشور

آپارتاید

رژیم اسرائیل، یک حاکمیت مبتنی بر آپارتاید یهودی است. رژیم ایران، یک حاکمیت مبتنی بر آپارتاید اسلامی است. هر دو رژیم مذهبی (یهودی و اسلامی) هستند. نژادپرستی و برتری جوئی جزو لاینفک آپارتاید مذهبی یهودی است. اگر حکومت آپارتاید در آفریقای جنوبی، دولوی رژیم اسرائیل، مبتنی بر تفاوت میان سیاه و سفید بود؛ آپارتاید در اسرائیل بدوا بر اساس یهودی بودن و غیر یهودی بودن و در مرحله بعد تفاوت بین یهودیان سفید، اعراب یهودی و سیاه پوستان یهودی است. سرمایه داری و طبقه بورژوازی در اسرائیل تداوم سلطه سیاسی و اقتصادی، تداوم اشغالگری و کوچاندن اجباری، مجازات جمعی و نسل کشی فلسطینی ها را با توسل به ایدئولوژی آپارتاید یهودی، اساساً علیه مردم فلسطین و در مرتبه دیگری علیه یهودیان غیر سفید، استوار ساخته است .

نژادپرستی و برتری جوئی و مردسالاری خشن از المنت های فکری اساسی رژیم اسلامی است. اسلام نیز غیر مسلمان را قابل مجازات و مخالف اسلام را قابل کشتن میداند و هر جا دستش میرسد به شنیع ترین شیوه می کشد. جمهوری اسلامی فرودستی زن را به یکی از اصول هویتی خویش ارتقا داده است. بین شاخه ها و فرقه های اسلامی متعدد هر اختلاف و جنگ درون خانوادگی باشد، در ضدیت با زن عمیقاً اشتراک نظر دارند. سرمایه داری و بورژوازی ایران نیز تداوم سلطه سیاسی و اقتصادی را در ایجاد تبعیض و تنش میان کارگران و گروه های مختلف مردم منتسب به این و آن قوم و مذهب، برتری جوئی آریائی و عظمت طلبی ایرانی، افغانستانی ستیزی، عرب ستیزی، زن ستیزی، استثمار شدید احاد طبقه کارگر با ایدئولوژی آپارتاید اسلامی متکی کرده است .

جنگ و مذاکره فاشیستها

هر دو حکومت آپارتاید در صورت ظاهر خواهان نابودی یکدیگرند. جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی، اساساً خواهان نابودی اسرائیل است. اما در عمل و در سیاست واقعی در یک جبهه واحد علیه مردم فلسطین قرار دارند، در دست هم بازی می کنند و هر دو در یک وضعیت جنگ دائم و موسمی ذیفنند. بدون یک اسرائیل مبتنی بر آپارتاید و راست افراطی و فاشیست و خواهان تداوم اشغالگری و نسل کشی، توجیهی برای بقای جهاد اسلامی و حماس و نیروهای تروریسم اسلامی وجود ندارد و خط نابودی اسرائیل در تهران اکسپایر میشود. بدون وجود نیروهای تروریستی اسلامی ضد یهود و خواهان نفی و نابودی اسرائیل نیز جلو افتادن فاشیستها در اسرائیل و تداوم اشغالگری و مجازات جمعی، اگر نگوئیم منتفی، اما بسیار سخت تر میشود. دو راست افراطی در دوسوی معادله منشأ تداوم نفرت قومی و مذهبی و تداوم حاکمیت آپارتاید هستند. مذاکرات تنها میان پرده جنگ دائم هستند .

نفی مسئله فلسطین

دو راست افراطی و مبتنی بر آپارتاید از تهران تا غزه و تل آویو، خواهان نفی مسئله فلسطین اند. هیچکدام در حل مسئله فلسطین ذیفن نیستند. هر دو آگاهانه یک مسئله ملی و حقوقی را به یک مسئله مذهبی تبدیل کرده اند. برای اسرائیل و نتانیاهو و راست فاشیست در اسرائیل خط زدن صورت مسئله فلسطین، تداوم اشغال و الحاق سرزمینهای فلسطینی، نفی هر نوع مذاکره و بحث بر سر مسئله فلسطین است. نتانیاهو

ادامه همین کار را در غزه کرد. در اسرائیل شرایط و حق ابراز وجود کارگران در خود اسرائیل و جنبشهای اجتماعی برای کارگران عرب و مهاجر و سیاه پوست با کارگران سفید یهودی یکی نیست. نه فقط دولت اسرائیل بنا به گزارشهای سازمان جهانی کار، کارگران فلسطینی که در اسرائیل کار می کنند حق نداشتند برای بهبود وضعیت شان اتحادیه ها و نهادهای خود را ایجاد کنند بلکه ضدیت با چپ، حتی چپ خود جامعه اسرائیل، و یهودیان غیر سفید یک رکن سرکوب کاری در اسرائیل بوده است. در کنار اینها حملات روزمره فاشیستها به فلسطینی ها و کشاورزان همسایه را باید اضافه کرد. نابودی کشاورزی و درختان زیتون، بستن صنایع کوچک و کارگاه های فلسطینی ها و ممانعت از شکلگیری هر سوخت و ساز اقتصادی در درون اسرائیل، خریدن زمینها یا اخراج به زور، نیروی کار کارگران مناطق اشغالی را ارزان تر و ناامن تر و وحشتناک تر کرده است. تشدید استثمار نیروی کار کارگران بعنوان مختلف از ویژگی دو حکومت آپارتاید در ایران و اسرائیل است.

ادامه دارد...

۱۹ نوامبر ۲۰۲۳



یادداشت هائی در باره جنگ اسرائیل در غزه (۱) وجوه اشتراک دو حکومت آپارتاید در ایران و اسرائیل

سیاوش دانشور

و سرکوب آنها، ستم به بخشهای مختلف جامعه با تعلقات مذهبی و قومی مختلف، بازی روی الاکلنگ اسلام- ناسیونالیسم، همواره حقوق بخشهای مختلفی را بعنوان "درجه دوم و سوم" نهادینه کرده است. ستم طبقاتی و شکاف میان کارگر و سرمایه دار بنیاد این بیحقوقی و آپارتاید و عروج فاشیسم در اشکال مختلف قومی و نژادی و مذهبی است. دهها میلیون کارگر در ایران به موقعیت بردگی کامل کشانده شدند. در کمتر حکومت فاشیستی اینچنین کارگران زیر انقیاد و سرکوب و اعدام و فقر و فلاکت قرار داشته اند.

در اسرائیل نیز کارگران از یک شرایط یکسان برخوردار نیستند. وضعیت کارگران شهروند اسرائیلی و سفید با کارگران عرب اسرائیلی و کارگران مهاجر کشورهای مختلف و سیاه پوستان بسیار فرق دارد. قوانین شهروندی اسرائیل هم این تبعیض ها را تحکیم کرده است. یهودیان مهاجر از کشورهای مختلف حق دریافت تابعیت و گذرنامه اسرائیلی دارند اما فلسطینی هائی که بدلیل جنگ از سرزمین خود مهاجرت کردند و یا با زور اخراج شدند، نه خودشان و نه فرزندان شان حق بازگشت به اسرائیل و کسب حقوق شهروندی را ندارند. در جنگ جاری اولین کسانی که ضربه دیدند هزاران کارگر فلسطینی بودند که اخراج شدند. کارگران خارجی نیز ناچار شدند کشور را ترک کنند و طبقه کارگر اسرائیل نیز در خدمت ماشین جنگی نسل کشی بخدمت گرفته شد. پارلمان اسرائیل در سال ۲۰۱۸، در جریان تصویب "قانون دولت - ملت"، زبان عربی را بعنوان یک زبان رسمی در کنار زبان عبری کنار گذاشت. اعلام شد که حق تعیین سرنوشت ملی "منحصر به یهودیان" است و با تصویب قانون "برتری یهودیان" بقیه اعراب اسرائیلی را "شهروند درجه دو" اعلام کرد.

سرکوب کارگران و چپسرکوب کارگران و سازمانهای کاریگری یک مشخصه عام و مشترک دو رژیم آپارتاید است. اسرائیل کلیه اتحادیه های کاریگری فلسطینی را در دوره بعد از عرفات نابود کرد. حماس در

امروز برمیاید.

نه به خشونت، زنده باد آزادی و برابری!

هلاله طاهری، نوامبر ۲۰۲۳



به پیشواز ۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان برویم!

هلاله طاهری

میکنیم. خشونت را از خانه میتوان شروع کرد و چلنج کرد و جارو زد. در محیط اجتماعی و کانونهای مبارزاتی در کنار هم میتوان بر خواستهایی پافشاری کرد و از حاکمان امروز گرفت. در جامعه با نیروی جمعی و کار آگاهگرانه میتوان رفتار خشونت زا را تضعیف کرد. به آگاهگری در میان مردم بویژه مردان و پسران پرداخت. دروازه های جهالت و مدارس مذهبی و مساجد را بست طوری که کسی به اراجیفشان گوش ندهند. تاثیرات مخرب آنها را با آموزش برابری طلبانه و مدرن در محلات و در محیطهای کار و در خانواده و در تشکلهایمان برای مردم برنامه ریزی کرد. بجای اراجیف ادیان و خرافه مذهبی از ارزشهای سکولار و مدرن، برابری طلبانه رو به جامعه سخن گفت. کار آگاهگرانه و سازماندهی و تشکل یابی امر بسیاری مهمی ست که انرژی و سخت کوشی جمعی فعالین و رهبران آگاه و همه انسانی که خواهان رهایی و آزادی هستند را میطلبد، و این از اراده این جنبش و خیزش انقلابی و فعالین و رهبران آن همین

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



که روزانه اتفاق می افتد منعکس نمی کنند. در کشورهایمانند افغانستان، عراق، سوریه، ایران، فلسطین بسیاری از قتل‌های زنان با توجیه اینکه قربانی از بلندی افتاده و دختران بطور تصادفی به چاه افتاده اند، یا بر اثر امراض ناشناخته می‌میرند، یا گم شده و حتی خودکشی عمدی کرده اند لاپوشی میکنند تا واقعیت قتل‌ها را بپوشانند. هرگز آماری در این مناطق به دست داده نشده که جای اعتماد باشد. مثلا در سال گذشته در ایران ۵۰۰ قتل ناموسی و زن کشی گزارش شده و فقط ما در دو هفته در یک ماه پیش شاهد هشت مورد قتل ناموسی اعلام شده بودیم.

عمارت ویرانه جمهوری اسلامی در طی خیزش انقلابی در اوج فروریختن بود که با توحشی وسیع شروع به اذیت و آزار زنان و جوانان کرد تا خود را بر قدرت نگه دارد. در این میان زنان که پاشنه آشیل این رژیم خونخوار را نشانه گرفته بودند با تاریخی بیش از چهار دهه جنگ با جهنم جمهوری اسلامی روبرو بودند که دیگر حاضر به بازگشت به قهقرای اسلامی نبودند. خیزش وسیع زنان علیه حجاب، آپارتاید جنسی و همه اشکال خشونت حکومتی، فرهنگی و مذهبی رژیم را تا لبه پرتگاه رساندند و اما خشونت عربان و جنگ آخر رژیم وحشیانه علیه زنان، جوانان و کل جامعه معترض همچنان ادامه دارد. کشورهای همسایه چون افغانستان، عراق و سوریه شباهتهای زیادی با وضع زنان در ایران دارند چرا که دولتهای توتالیتر با سیستم سرمایه داری دست در دست هم داده و استثمار زنان را وسیعا در همه ابعاد گسترش داده اند.

هر چه بیشتر استثمار و اذیت و آزار به بخشی از جامعه تحمیل شود و بخش دیگر را به سکوت وادارند در کنترل یک جامعه بیمار دست قدرتهای مطلقه برای استثمار بیشتر و تجاوز به حقوق زنان بازر میگردد. اتکا به این روش سرمایه کلان برای دولت‌ها و ویرانی و فلاکت بی پایان برای مردم بویژه کودکان و زنان به بار میآورد. در جنگ‌ها زنان و کودکان اند که گروگان و اسیر و مبادله جنسی و مالی میشوند. زنانند که بار فشار فقر و گرسنگی، بیکاری و امراض مرگبار را بدوش میکشند. زنانند که بعد از همه فلاکت و فقر روزانه باید کتکهای روزانه همسران و سرزنش و تحقیر محیط ناسالم را متحمل شوند و در نهایت زنان هستند که باید حجاب و موازین ادیان پوسیده را بر تن کنند و چون برده در قفس عقب ماندگی و جهالت کنترل شوند.

راه کارهای منع خشونت زنان هر روزه است، در هر جا و مکانیست، در همه اشکال و اندازه هایی ست. از همین الان حتی برای یک خواست اولیه و روزانه تا بسرانجام رسیدن یک انقلاب زیرو روکننده اجتماعی چون سوسیالیسم باید بلاانقطاع ادامه یابد. ما خواهان بهبود زندگی و امنیت زنان از همین امروز هستیم. در خانه، در محیط کار، در مدارس، در خیابانها و مجامع، در میدیا. مبارزه هر روزه ما برای بهداشت و سلامت آنها، برای آموزش و ارتقا اجتماعی آنها، برای کار، برای معیشت رایگان، برای امنیت جسمی و جنسی، برای احترام به وجودشان، برای حق برابر حضورشان در جامعه، در محیط کار، در خانه، برای تشویق و ارج نهادن به نقششان در جامعه، در خانه، در همه جا، برای اینکه همانانی شوند که خود آرزو میکنند، که خود تصمیم بگیرند، که شایسته همه ارزشهای برابرند.

مبارزه همیشگی ما برای یک جامعه سالم با انسانهای سالم و جستجوگر و برای جستجوی یک زندگی بهتر بلامنازع و امری هر روزه است. قدمهای بزرگتر برای رسیدن به آرزوهای بزرگتر، از جمله بر اندازی نظام خشونت‌زا، قدرت‌های استثمارگر سرمایه داری، پاکسازی ادیان و عرف و عادات پوسیده به سازماندهی و کار مستمر، وسیع و آگانه نیاز دارند. به هر درجه آگاهی جامعه، بویژه زنان بالا رود، امکانات برای قدمهای بعدی هموار تر میگردد و ما را به سازماندهی و تشکل یابی و در نهایت به قدرت نزدیکتر میکند. ما هم تغییرات کوچک و هر روزه را سازمان میدهم و از دستاوردهای آن استفاده میکنیم و هم برای کارهای بزرگتر چون یک انقلاب و زیرو رو کننده آماده میشویم.

ما هم امروز برای حق بیمه و بهداشت زنان خانه دار میجنگیم و هم برای رسیدن به سوسیالیسم و یک جهان بهتر و برابر برنامه ریزی

به پیشواز ۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان برویم!

هاله طامری

بیست و پنج نوامبر برابر با چهارم آذر، روز جهانی منع خشونت علیه زنان نامگذاری شده است. در سال ۱۹۶۰، سه خواهر جوان، مشهور به "خواهران میرابال"، فعال سیاسی و عضو یک شبکه انقلابی مخفی از اهالی جمهوری دومینیکن بطرز وحشیانه ای از جانب دولت به قتل رسیدند. این واقعه خشم جهان را برانگیخت که هر ساله بویژه در شهرهای بزرگ در کشورهای آمریکای لاتین اعتراضات گسترده ای در روز بیست و پنج نوامبر برگزار شد تا اینکه در سال ۱۹۸۱ در همایشی در بوگوتا پایتخت کشور کلمبیا با شرکت مدافعان حقوق زنان در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب پیشنهاد شد که روز قتل این سه خواهر را روز منع خشونت علیه زنان نام بگذارند. در سال ۱۹۹۹ نیز سازمان ملل هم این روز را برسمیت شناخت. از آن سال به بعد هر ساله در سراسر جهان، بسته به توانایی فعالین زن، تشکلهای و انجمنهای حقوق بشری اعتراضات خیابانی و جمعی وسیعی تدارک میبینند. پوشش این اعتراضات همواره به توازن قوای اجتماعی- سیاسی جنبش زنان و موقعیتشان در هر جامعه گره خورده است. مثلا در اروپا و کشورهای آمریکای لاتین به یمن پشتیبانی دیگر جنبشهای اجتماعی و سکولار و سالها مبارزه با خشونت ما شاهد حرکتی وسیعی هستیم. اما در دیگر بخشهای جهان فقر زده و در حال جنگ، از جمله کشورهای اسلام زده مبارزات زنان با مقاومت سنگین دولتهای توتالیتر و نظامی روبرو میگردد. هر گونه صدای آذیخواهانه در این جوامع بشدت سرکوب، و ایجاد تشکلهای سازمانهایی برای بهبودی وضع زنان و کودکان اغلب با حکم اعدام و ترور انسانها جواب میگیرد. از آن جمله چهار و نیم دهه از جنایات جمهوری اسلامی و همسایه آن طالبان در افغانستان هستند.

در حالی که گفته میشود دست کم ۱۱۹ کشور جهان قانون ضد خشونت خانگی به تصویب رسانده، ۱۲۵ کشور درباره آزار جنسی قانون دارند و ۵۲ کشور درباره تجاوز زناشویی قانون تصویب کرده‌اند، اما آمار جهانی در رابطه با خشونت علیه زنان در این دهکده جهانی تکاندهنده است. یک سوم زنان و دختران جهان در طول عمر خود خشونت فیزیکی و یا جنسی را تجربه می کنند و نیم بیشتر از زمانی که در گوشه و کنار دنیا به قتل رسیده اند، توسط شریک زندگی یا اعضای خانواده خود کشته شده اند. حدود ۷۵ میلیون زن و دختر پیش از هجده سالگی ازدواج کرده اند و ۲۰۰ میلیون زن و دختر، ختنه می شوند (گزارش سازمان بهداشت جهانی).

آمار قتل‌های ناموسی در جهان سالانه بین ۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ زن در سال است. هر روز نزدیک به ۱۴۰ زن در جهان کشته میشود و ۶۰٪ از آمار سالانه کشتار زنان را مردان انجام میدهند. ۸۱۰۰۰ کشته فقط در سال ۲۰۲۲ و هر یک ساعت شش زن کشته شده است. در اروپا از جمله در انگلستان بویژه در دوران کرونا و پسا کرونا میزان کشتار زنان تا یک برابر و نیم بالا گرفت. برای مثال در اسپانیا، ایتالیا و انگلستان هر سه روز یک زن توسط مرد کشته میشود. ۵۳٪ از آنها شوهر یا بستگان زنان هستند. از هر پنج دختر در جهان یک دختر بچه به کودک همسری وادار می شود. ۶۵۰ میلیون کودک همسری، نزدیک به ۱۶ میلیون ازدواج اجباری در جهان، بیست میلیون ختنه دختر بچه‌ها تا کنون که سالانه سه میلیون دختر دیگر در معرض ختنه شدن هستند... اینها تنها گوشه‌هایی از واقعیت جهانیست که زنان و کودکان در آن زندگی میکنند (صندوق جمعیت سالانه بین المللی).

در خاورمیانه و بخش وسیعی از آفریقا و آسیا، آمارها مطلقا جای اطمینان نیستند چرا که واقعیت جنایات علیه زنان را هرگز آنطوری



آغاز جنگ، اسرائیل مداوما شاهد تظاهرات علیه ناتیناهو و موتلفین فاشیست اش بود، این نارضایتی اکنون در خیابان ها به نمایش گذاشته شده است. لذا بنظر می رسد که این استراحت در نسل کشی لازم شده است تا تعدادی از گروگان ها به خانه بازگردند و فشار روی دولت کاهش یابد.

تا همین اخیرا ناتو کاملا با آتش بس مخالف بود. در بریتانیا حتی آتش بس با مخالفت اکثریت پارلمان مواجه شد، بایدن و شولتز صدر اعظم آلمان محکم علیه آتش بس موضع گرفته اند؛ دولت های منطقه نیز تلاشی در این سو نکرده اند. به ناگهان ظرف چند روز این حرکت "بشردوستانه" رو شد.

باید این دولت ها را برای آتش بس دائم تحت فشار گذاشت؛ برای پایان دادن به محاصره غزه، اجازه بازگشت آوارگان به محل خانه هایشان، بازسازی غزه، یافتن یک راه حل دائمی برای مساله فلسطین که حق آنها را در داشتن کشور و دولت برسمیت می شناسد؛ اسرائیل را موظف به تخلیه مناطق اشغالی کند. بدون چنین راه حلی، تراژدی و فاجعه تنها سرنوشت مردم فلسطین خواهد بود، کمالینکه یک قرن است، چنین است. مساله فلسطین یکی از مهمترین مسائل سیاسی قرن بیست و بیست و یک است. یکی از قدیمی ترین بحران های جهانی است. غرب، در راس آن بریتانیا و آمریکا از مساله فلسطین برای نارام نگاه داشتن خاورمیانه، ایجاد آشوب و جنگ و ویرانی استفاده کرده و می کنند. مساله فلسطین یکی از مهمترین و مبرمترین مسائل سیاسی جهان است.

دنیا بر سر یک دو راهی

اگر دنیا را بر سر دو راهی بخوانیم، ممکن است اغراق بنظر برسد. اما اگر به تغییراتی که ظرف یک دهه اخیر یا حتی پنج سال اخیر رخ داده است، لحظه ای بیندیشیم، ابعاد باور نکردنی آنرا در می یابیم. یک دهه پیش تصور نمی کردیم که دولت های غربی به راحتی یک سانسور گسترده را بر رسانه ها تحمیل کنند، اینترنت را سانسور کنند، تظاهرات را ممنوع کنند، در روز روشن یک نسل کشی مسلم را بعنوان "حق دفاع از خود اسرائیل" موجه جلوه دهند، و مخالف را "انتهی سمیت" (که از نظر آنها بمعنای ضد یهود است) بخوانند. تظاهرات در حمایت از مردم غزه و محکومیت نسل کشی اسرائیل در بسیاری از کشورهای غربی ممنوع شده است. در آلمان صد حرکت و اجتماع مختلف سیاسی، فرهنگی، هنری به بهانه آنتی سمیت بودن ممنوع شده اند.

اکنون نزدیک به دو سال است که از جنگ و آدمکشی در تلویزیون ها دفاع می کنند. تبلیغات جنگ طلبانه، اول در جنگ اوکراین و علیه روسیه و اکنون در نسل کشی غزه و در دفاع از اسرائیل. در فضای جنگی تحمیل هر قانون و سرکوبی آسانتر است. هیات حاکمه از این شرایط به بهترین شکلی استفاده کرده است. گسترش فقر و فلاکت را توجیه می کند و امکان اعتراض علیه آنرا سد می کند. تلاش می کند جامعه را پولاریزه کند، راست را گسترش دهد، جامعه را تکه تکه کند و بجان هم بیاندازد. اشاعه نفرت در جامعه به اشکال مختلف پیش می رود. با تشویق و تبلیغ دولت راسیسم رو به گسترش است. راسیسم علیه مردم سیاه پوست، رنگین پوست، از آفریقا و خاورمیانه، و مسلمان.

رشد این ترند بسیار سریع بوده است. این فضایی مسموم و خطرناک است. باید با آن مقابله کرد؛ عقبش نشاند. نیاز به سازماندهی یک جنبش وسیع چپ، کارگری و کمونیستی برای عقب زدن این شرایط هر چه بیشتر احساس می شود. پاسخ بشریت به نسل کشی اسرائیل بسیار امید بخش است. دنیا در حمایت از مردم غزه، حق مردم فلسطین برای داشتن کشور و دولت خود، و در محکومیت اسرائیل بپاخاست.

این حمایت میلیونی و جهانی زنگ خطری برای هیات حاکمه است. پیش بردن یک نقشه پلید و ضد انسانی بنام بشریت آنطور که می اندیشیدند، آسان نیست. ۲۳ نوامبر ۲۰۲۳

آتش بس "بشردوستانه" کودکان غزه، حیوانات نذری!

آذر ماجدی

پس از هفت هفته جنایت و ویرانی، یک آتش بس چهار روزه تحت نام "آتش بس بشردوستانه" در غزه اعلام شد. این آتش بس بابتکار قطر، با همکاری مصر و چراغ سبز آمریکا بتصویب رسیده است. اسمش را گذاشته اند "آتش بس میان اسرائیل و حماس!" حتی اگر قبول می کردیم که حماس یک طرف این نسل کشی است، روایت فیل و فنجان است. یکی از قویترین ارتش های جهان با حمایت صد در صد آمریکا و ناتو، با پیشرفته ترین، بخوان کشنده ترین، سلاح های موجود، از هوا و زمین بمب می ریزد و با تانک از روی خانه ها و اجساد مردم عبور می کند؛ دیگری ظاهرا چند بار راکت پرتاب کرده است. یک میلیون و نیم انسان آواره شده اند، خانه هایشان ویران شده، شهر و ده شان نابود شده تا به روایت اسرائیل و دولت ها و رسانه های بیستر اصلی غرب، حماس در غزه نابود شود. رهبران حماس در قطر گوش به فرمان آمریکا، جا خوش کرده اند، میلیون ها دلار از قطر پول می گیرند و از سرمایه گذاری های متعددشان سود می برند؛ مردم غزه، پیر و جوان و کودک مثل باد خزان به روی زمین می ریزند و زیر تلی از سنگ و خاک دفن می شوند.

از آغاز این جنگ و نسل کشی، رسانه های غرب تبدیل شدند به بلندگوی تبلیغات جنگ طلبانه، پرو اسرائیلی، فاشیستی، و راسیستی دروغین؛ از جمله "استفاده از اسامی خوش آهنگ برای رویدادهای هولناک (بقول انگلیسی یوفومیسم) "آتش بس بشردوستانه" یکی از این نمونه هاست. قرار است ۴ روز کشتار در غزه متوقف شود تا ۵۰ گروگان اسرائیلی با ۱۵۰ زن و کودک زندانی فلسطینی مبادله شوند. قطر گفته که کمک های انسانی مثل آب و غذا هم راه ورودش باز می شود، بمدت ۴ روز. اول این نشان می دهد که تمام فریادهای خشم معترضین که مردم غزه نه تنها بمباران می شوند، از غذا و آب نیز محروم اند، حقیقت داشته و این عین تعریف نسل کشی با همان استانداردهای ناقص سازمان ملل است. دوما، این قرار به ریشخند گرفتن هر نوع بشردوستی است. ۴ روز به کودکان غزه کمی آب و نان می دهند تا بعد از ۴ روز بمب برسرشان بریزند؟ انسان به یاد سر بریدن حیوانات نذری می افتد، کمی آب به حیوان مفلوک می دادند تا بعد با وجدان آرام سرش را از بدن جدا کنند.

این آتش بس قرار نیست پایدار باشد. قرار نیست به کشتار و نسل کشی مردم غزه پایان دهد. قرار نیست راه بازگشت مردم به محل زندگیشان را باز کند. یک "تنفس" است در پروسه نسل کشی. دنیای وارونه ای است. نه تنها نتانیاهاو، وزرای اسرائیل، رسانه ها و ارتش اسرائیل رسما اعلام می کنند که جنگ تا پاکسازی کامل ادامه خواهد یافت، بلکه نشریه پولیتیکو از قول یکی از مقامات بالای آمریکا نوشته است: "دلایلی ندارد که این استراحت به یک آتش بس طولانی تر بدل شود. ضمنا دولت نگران است که یک فرجام ناخواسته این استراحت، یعنی دسترسی وسیعتر ژورنالیست ها به غزه موجب می شود نور بیشتری به ویرانی غزه بتابد و افکار عمومی را علیه اسرائیل بچرخاند." (نشریه پولیتیکو ۲۱ نوامبر ۲۰۲۳).

"بشردوستی" یا نجات دولت ناتنیاهاو؟

گزارشات حاکی از آنست که فشار بر روی دولت ناتنیاهاو در داخل اسرائیل بطور روزمره افزایش می یابد. یک تظاهرات وسیع از خانواده های گروگان ها و حامیانشان از تل آویو به اورشلیم عازم شده است. خانواده ها در مجلس به اعتراض دست زده اند. اعتراض علیه جنگ در اسرائیل نیز گسترش می یابد. باید بخاطر داشت که پیش از

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



استیصال به اخراج روسای دانشگاه دست میزند. بعد از ۴ دهه ادعا در رابطه با موفقیت در امر آموزش و پرورش اسلامی امروز با نسلی روبرو هستند که نه تنها حجاب که مذهب و قوانینش را هم به سطل زباله میندازند.

این جانوران ضد شادی و ضد انسان سالها موسیقی زنان حرام و ممنوع اعلام کردند، امروز در خیابان‌های شهرهای بزرگ نه تنها زنان هنرمند و خوش ذوق به نواختن موزیک و خواندن آواز میپردازند که با رقصیدن در خیابان هم فضای شهرها را چند صباحی است تغییر داده اند.

تقابل با قوانین حکومتی تنها محدود به مسئله حجاب و عدم رعایت آن نیست، اعتراض علیه فقر و نابرابری اقتصادی و اجتماعی هم همزمان در جریان است. پرستاران زن در بیشتر شهرهای ایران در اعتراض به حقوق معوقه کار را تعطیل کردند، خبرنگاران زن در مقابل سانسور و سرکوب آزادی بیان بی پروا به صدا درآمده اند، زنان بازنشسته حتی یک روز از عرصه مبارزه برای معیشت شایسته انسان امروزی غایب نبودند. معلمان زن علیرغم اخراج و ممنوعیت کاری عقب ننشسته اند. در هر عرصه ای که جمهوری اسلامی تصور میکند بر آن کنترل دارد صدای اعتراض بلند است! گرچه همه این عرصه ها بازتاب خیابانی و حضور فیزیکی در خیابان را ندارد اما در همه جا خواب از چشم سرکوبگران حکومتی ریخته و آنان را مستاصل کرده. بهمین دلیل است که هر روز با ترفندی به جنگ صفی از انسانهای آزادیخواه و برابری طلب میروند که خود هم میدانند عزم جزم کرده اند که آنان از قدرت ساقط کنند.

تونل وحشت جمهوری اسلامی مربوط به دالان‌های طولانی مترو در این روزها نیست. در دهه ۶۰ در اعدام‌های دسته جمعی در تابوت و زیر هشت و در ترورهای هر روزه در خانه و خیابان، با اسید پاشی و تیغ کشیدن بر صورت زنان هم تونل مرگ و وحشت برقرار کردند و نسلی از شریفترین کمونیستها و آزادیخواهان را به صلابه کشیدند، اما نتیجه و حاصل این وحشیگری نه تنها سکون و خاموشی نبود بلکه امروز با صفی از زنان و مردانی روبرو هستند که دیگر نه از دیدن چهره کربیه مأموران سرکوب و اهامه دارند نه در مقابل اعمال وحشیانه پاسداران سرمایه ساکت هستند و نه هیچ ابایی از شکستن قوانین و مقررات ارتجاعی حکومت دارند.

قمه بدستان دهه ۶۰ شیوه ایجاد رعب و وحشت و تروریزه کردن جامعه را از تیزیر و اسید در تونل‌های "وحشت" به قبض جرمه تغییر داده و فکر میکنند با این شیوه می‌توانند جامعه را بعد از خیزش‌های آبان و دی و شهریور به عقب نشینی وادارند، سیر و روند تحولات اما خلاف این را نشان میدهد. هیچ نشانی از مرعوب شدن جامعه، کوتاه آمدن زنان، سکوت کارگران و بازنشستگان وجود ندارد. اعتصابات کارگران نفت و پتروشیمی و فولاد یکی از نشانه‌های بارز این واقعیت است. خیال خام شکستن سنگر مقاومتی که از شهریور ۱۴۰۱ در برابر شما بسته شد را باید به گور ببرید! مردم رنج‌دیده ای که در مقابل سلاح‌های سنگین شما با دست خالی ایستادند و نیروی سرکوب شما را به عقب راندند دیگر از این ترفندهای احمقانه ترسی ندارند. رنج دیدن سفره‌های خالی و بغض فروخورده سالها تحقیر و بیحقوقی برای همیشه مابین حکومت و مردم متنفر از این سیستم حفره ای ایجاد کرده که هیچ راهی جز سرنگونی متصور نیست.

هر چقدر که می‌خواهید "تونل و فضای وحشت" ایجاد کنید در این واقعیت اما نمیتوانید تغییری ایجاد کنید که جامعه و مردم معترض و آگاه دیگر مرعوب فشار و سرکوب نخواهد شد، دیگر نمیتوانید حتی یک سنگر فروریخته حکومت را پس بگیرید و به روزهای قبل از خیزش انقلابی شهریور برگردید.

ملکه عزتی

۲۳ نوامبر ۲۰۲۳

سنگرهای فروریخته حکومت در برابر

سیل اعتراضات جامعه!

ملکه عزتی

این روزها فضای شهرهای ایران دیدنی است. از یک طرف حکومتی که از وحشت سرنگونی روز به روز وحشیانه تر دست به سرکوب و دستگیری و شکنجه میزند و از طرفی مردمی که کل این وضعیت را به سخره گرفته و با هر امکائی که دارند مخالفت خود را علیه حکومت و دستگاه سرکوب اعلام میکنند. در جامعه ای که زنان در طی سالها با اپارتاید عریان جنسی و تحقیر روبرو بودند و ضدیت با زن جز کاراکتر و وجه مشخصه حکومت اسلامی در کل منطقه و جهان بوده امروز همین زنان علیه حجاب اسلامی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های هویتی این حکومت ایستاده و حاضر به قبول آن نیستند. نه طرح عفاف و حجاب توانسته کاری بکند نه تمهیدات دیگری که این روزها به وفور در مجلس، دولت و سایر ارگانهای حکومتی بررسی میشود. کار به جایی رسیده که بقول عده ای "این تکه پارچه" و دور انداختن آن در مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان باعث اخراج رئیس یکی از مهم‌ترین دانشگاه‌های ایران میشود. ما بیش از ۴ دهه است می‌گوییم حجاب یک تکه پارچه بی تقصیر یا پوششی عادی نیست، حجاب مظهر و نماد اسلام سیاسی و بیرق هویتی رژیم اسلامی است که ضدیت با زنان از بارزترین خصوصیات آن است. امروز هم علیرغم فلاکت اقتصادی و گرانی خارج از تصور هزاران معضل اجتماعی دیگر که گریبان جمهوری اسلامی را گرفته، مبارزه بر سر حجاب و تحمیل آن هنوز از مهم‌ترین عرصه‌های حیات جمهوری اسلامی است.

جریمه نقدی و زندان و اخطار کافی نبود، این روزها "تونل وحشت" در مترو و دیگر معابر عمومی برپا کرده و زنان باید از میان یک تونل انسانی متشکل از حجاب بانان و لات و لمپن‌های بسیج و سپاه رد شوند و در صورت عدم رعایت حجاب به جریمه و زندان محکوم شوند! چندان آور، اما واقعی است. رواج مرد سالاری، ترویج زن ستیزی و اشاعه فرهنگ و قوانین عقیمانده ضدیت با زنان و نگاه تحقیرآمیز به زنان در طول ۴ دهه برای خانه نشینی و محو زنان از فضای عمومی جامعه شکست کامل خود را آنجا نشان میدهد که دختران دانشجو بدون حجاب در جشن پایان تحصیلی خود حضور پیدا میکنند. این درجه از استقلال فکری و فردی، این درجه از باور به حقوق زن این سطح از شجاعت و ایستادگی در مقابل یک حکومت مذهبی و ضد زن تحسین برانگیز است. زنان پیشرو در خیزش انقلابی یکسال گذشته علیرغم هر درجه از سرکوب، علیه سلطه مذهب، علیه افکار پوسیده ضد زن به این شکل آشکارا ایستاده‌اند و برای اثبات موجودیت اجتماعی خود هر روز در عرصه‌های حضور پیدا میکنند. روزانه در همه عرصه‌ها هزار باره جمهوری اسلامی با صحنه‌هایی روبرو میشود که حاوی یک پیام مهم است دوره انکار زن، دوره تحقیر و فرودستی زن رو به پایان است. بحنگ تا بجنگیم به یک عرصه واقعی نبرد مابین زنان و حکومت بدل شده. سرکوب از سر در ماندگی هر روز شکل تازه ای بخود می‌گیرد و در طرف مقابل هم مبارزه روشن تر و صریح تر به اشکال مختلف و در سطوح مختلف در جریان است.

کار به جایی رسیده که رئیس دانشگاه به جرم اینکه نتوانسته مانع حضور بی حجاب دختران دانشجو شود مورد غضب قرار می‌گیرد و اخراج میشود و تازه تنها رئیس دانشگاه پردیس نیست که شامل این عقوبت است! رئیس دانشگاه شریف تهران هم از این سرنوشت بی نصیب نمیمانند و او هم اخراج میشود! حکومتی که زمانی نه چندان دور بازمانده جنازه‌های کشته شدگان جنگ ارتجاعی ایران و عراق را در محوطه دانشگاه‌های کشور دفن میکرد و دانشگاه را عرصه تاخت و تاز فرهنگی حوزه جهلیه و خیل آخوند مفتخور میدانست، امروز در مقابل یک نسل جوان و آگاه، با درماندگی قافیه را باخته و از سر



اعتراض و اعتصابات نفت از سوی چند نهاد دانشجویی نشان می‌دهد که روح مبارزه در دانشگاه زنده است و حکومت اسلامی نمی‌تواند جنبش دانشجویی را که قدمتی طولانی در عرصه مبارزاتی دارد را مهار کند.

دانشجویان قدیمی شاید به خاطر داشته باشند که تشکل دانشجویی «دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب» دقیقاً در دل فضای سرکوب و شدید امنیتی در دهه ۸۰ شمسی اعلام وجود کرد و با بیان مواضع چپ و سوسیالیستی همچون پتکی بر سر جمهوری اسلامی فرود آمد.

تجربه تشکل دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و همچنین حضور سرخ دانشجویان در خیزش انقلابی شهرپور و مختصات مبارزاتی و طبقاتی آن تا کنون پتانسیل بزرگی در جهت بزرگداشت و برپایی اعتراضات و اقدامات لازم در ۱۶ آذر ۱۴۰۲ در اختیار فعالین دانشجویی قرار داده است.

سازماندهی و تشکل یابی در دانشگاه با خواسته‌های دانشجویی و کلان با رویکرد چپ و سوسیالیستی با استفاده از دستاوردهای تاکنونی، همچنین تجارب دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب همان قدر حائز اهمیت می‌باشد، که حمایت و همبستگی با جنبش طبقه کارگر و تقویت مبارزات کارگری جهت خلاصی از بردگی مزدی و حکومت سرمایه داری هار اسلامی. جنبش دانشجویی بعنوان جنبشی موثر در سایر جنبش های اجتماعی برای پیشبرد مبارزه طبقاتی و سیاسی با توجه به حضور چپ و سوسیالیسم در دانشگاه لازم است در جهت خلاصی سایر بخش های جامعه از نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی دست به اقداماتی مهم بزند، که همبستگی و حمایت از اعتصابات جاری کارگری از مهمترین اقدامات ممکن پیش پای دانشجویان در ۱۶ آذر ۱۴۰۲ می باشد. یکی دیگر از اقدامات مهم برای ۱۶ آذر گرامیداشت یاد جانباختگان خیزش انقلابی شهرپور می باشد که سال گذشته در چنین تاریخی شاهد کشته شدن انقلابیون توسط جمهوری اسلامی در کف خیابان ها و یا زندان ها بودیم.

فراخوان ما این است که دانشجویان چپ، سوسیالیست، آزادیخواه و برابری طلب دربرگزاری ۱۶ آذر روز دانشجو در ادامه اعتراض و مبارزه تا کنونی، علیه آپارتاید جنسی و مذهبی در دانشگاه، علیه حضور نیروهای حراست و لزوم برچیده شدن تمامی نیروهای امنیتی از فضای دانشگاه، لغو پولی سازی آموزش، با خواست آزادی دانشجویان در بند و لغو محرومیت های اعمال شده بر دانشجویان، دست به اقدامات اعتراضی بزنند.

۲۳ نوامبر ۲۰۲۳



افزایش فشار و احضار دانشجویان در آستانه ۱۶ آذر روز دانشجو

امیر عسگری

جنبش دانشجویی در ایران برای اولین بار در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، سرکوب جریانات سیاسی و همچنین در اعتراض به حضور ریچارد نیکسون اعلام موجودیت میکند. لازم به ذکر است که ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در جریان اعتراض عظیم دانشجویان که از دانشگاه تهران شروع میشود، ۳ دانشجو مبارز به ضرب گلوله نظامیان حکومت کودتاچی پهلوی به قتل میرسند. از سوی کنفدراسیون دانشجویی که مرکزیت سیاسی آن در خارج کشور قرار داشت ۱۶ آذر علی رغم فشارهای شدید رژیم جنایتکار پهلوی بعنوان روز دانشجو اعلام شد و از آن زمان تاکنون همه ساله از این روز از سوی دانشجویان گرامی داشته می‌شود. بر خلاف تبلیغ و تلاش رسانه های جریانات راست اپوزیسیون که میخواهند با فراخوان های ساختگی از بالا برای جنبش دانشجویی نسخه پچی کنند که همواره در این تلاش های مذبحخانه سرشان به سنگ میخورد؛ جنبش دانشجویی همانطور که نقش ویژه ای در مبارزات انقلابی علیه رژیم پهلوی در انقلاب ۵۷ داشت، بعنوان یک جنبش چپ و پیشرو در برابر حکومت هار اسلامی قد علم کرده و کمترین سمپاتی به جناح راست اپوزیسیون ندارد.

شانزده آذر، روز دانشجو یادآور بیش از هفتاد سال مبارزه جنبش دانشجویی علیه استبداد، نابرابری، تبعیض و انواع افسارگسیختگی، بار دیگر فرا می رسد. شانزده آذر ۱۴۰۲ یکسال پس از نقش فعال دانشجویان بعنوان یک جنبش موثر در خیزش انقلابی شهرپور ۱۴۰۱ فرا میرسد. جنبش دانشجویی و بخش اعظم آن با شعارها و خواسته های چپ بصورت آشکار از یک سو در برابر جمهوری اسلامی و از طرف دیگر در برابر آلترناتیو سازی های سلطنت طلبان، پهلویست ها و رژیم چنی ها قد علم کرد. دانشجویان در این دوره بطور علنی با شعارهای خود از جمله: «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر»، «نان، کار آزادی، اداره شورایی»، «کارگر، دانشجو، اتحاد»، «ما فرزند کارگرانیم، در کنارشان می مانیم» نه روسری، نه توستری، آزادی و برابری و «نه سلطنت، نه رهبری، دموکراسی برابری» اعلام کردند که نه تنها خواهان انقلاب هستند، بلکه شکل نظام آتی مورد نظر خود پس از سرنگونی جمهوری اسلامی را که به مختصات سیاسی یک جمهوری سوسیالیستی نزدیک است را علنی اعلام کردند.

جنبش دانشجویی در دوره پسا خیزش انقلابی شهرپور ۱۴۰۱ تاکنون با انواع سرکوبها، احکام، زندان، تعلیق ها و تبعیدها روبرو بوده و از طرف دیگر شاهد پاکسازی اساتید مختلف و جایگزینی مداح های لمپنی همچون سعید حدادیان در کرسی استادی در جهت نابود سازی دانشگاه باشیم. قطعاً حکومت جهل و خرافات و فاشیست اسلامی به سرکوب و دست اندازی بسنده نکرده در ماهها و روزهای اخیر با فرار رسیدن ۱۶ آذر فشار و احضار دانشجویان را به عناوین مختلف تشدید کرده و به بی حجاب ها حمله کرده و نیروهای حجاب بانس را روانه دانشگاه کرده تا دخترانی که در دل خیزش انقلابی اخیر روسری برچوب کرده و آتش زدند را مهار کنند. زهی خیال باطل!

اعتصابات دانشجویان از جمله در دانشگاه تربیت مدرس و تنظیم بیانیه های رادیکال از سوی دانشجویان دانشگاه های مختلف از جمله خواجه نصیر، کردستان و اصفهان و در حمایت و همبستگی با

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



آرایش نظامی و بویژه حفظ خود و طرف حساب مذاکره فرصت می‌دهد. به هر حال باید روشن باشد که آمریکا و اسرائیل و حماس از روی "انساندوستی" شان به توافق نرسیدند. اینها نیروهایی هستند که جمیعا و بدرجات متفاوت خالق و بانی اوضاع کنونی اند. این برآیند فشارهای بیرونی، تناقضات درونی و منافع مشخص هر کدام از بازیگران این جنگ ارتجاعی بود که به این نقطه رسید. آتش بس البته عنوان نادرستی است، خود این ضد بشرها از "وقفه بشردوستانه" نام می‌برند.

تا اینجا چند نکته عمومی تر روشن است:

اول، طرح کولونیالیستی اشغال کامل غزه و الحاق آن توسط اسرائیل در این دور شکست خورده است. نتانیاهو اعلام کرده بود که برای مدت نامعلومی کنترل غزه را بدست خواهند گرفت اما با مخالفت متحدانش روبرو شده است. سران هفت کشور صنعتی در نشست اخیر توکیو با اشغال غزه توسط اسرائیل بشدت مخالفت کردند. اشغال غزه توسط اسرائیل به احتمال قوی جغرافیای جنگ را گسترش می‌دهد، امری که نه اسرائیل و نه آمریکا در شرایط کنونی خواهان آن نیستند. نتانیاهو نیمه غزه را با خاک یکسان کرده است اما قادر به اداره همین ویرانه ها هم نیست.

دوم، سران کشورهای عربی نیز قبول نمیکنند مردم غزه و فلسطین را بعنوان پناهنده بپذیرند و فلسطینی ها هم نمیخواهند سرزمین و منزلشان را واگذار کنند، چون هر دو میدانند که طرح کوچاندن یک راه بدون بازگشت است.

سوم، هدف نابودی حماس توسط دولت اسرائیل تحقق نیافته است، حماس در ۴۸ روز جنگ کمترین صدمه را دیده است، در این میان ارتش اسرائیل فقط مردم غیر نظامی فلسطینی کشته است. تازه حماس بعنوان نیروی که در "لیست سازمانهای تروریستی" است طرف مذاکراه "برادر بزرگترها" هم هست.

چهارم، سرنگونی حماس و بیرون کردنش از غزه هنوز در ابهام است و به ادامه یا عدم ادامه جنگ و توافقات برای نگهداری حماس بستگی دارد. بعد از این جنگ، نفس حفظ موجودیت سیاسی حماس در غزه برای این جریان "پیروزی" و برای نتانیاهو و شرکا "شکست" محسوب میشود. پنجم، حذف حماس از غزه دوراهی اشغال غزه یا برسمیت شناسی قدرت و دولتی جدید را الزامی میکند که تا این لحظه نه دولت اسرائیل و نه شرکا طرح روشن و قابل قبولی برای بعد از جنگ ندارند. یک مسئله محوری کنفرانس ها در متن تناقض منافع دولتهای منطقه و نیروهای جهانی، همین نکته است. اگر اشغال غزه از دستور خارج است، آنوقت بلافاصله مسئله فلسطین و ضرورت ارائه یک راه حل معقول و ممکن جلو رانده میشود.

ششم، نتانیاهو تمام شده است. چه بسا قیل از جنگ کنارش بگذارند، اگر این اتفاق نیافتد بعد از پایان جنگ بعنوان یک مسئول این فجایع کنار زده میشود.

تاکتیک "آتش بس" موقت یا همان "وقفه بشردوستانه"، در عین حال که فوایدی جزئی دارد و امکان تنفسی میدهد، فرصتی برای جلا دادن قدمهای بعدی طرفین درگیر است. گامهایی که اجرای آنها ضرورتا تحت اراده و اختیار هیچ تک نیروی درگیر نیست و با موجی از مخالفت و تبعات و واکنش روبرو است. از حق نباید گذشت، دولت اسرائیل "پیروزی بزرگی" بدست آورده است: فی الحال و فقط در این نوبت؛ آپارتاید و نژادپرستی وقیح ۶۰۰۰ کودک کشت، ۴۰۰۰ زن قتل عام کرد، ۳۵۰۰ مردم عادی از پیر و جوان سلاخی کرد، ۳۳۰۰۰ زخمی بجای گذاشت، ۹۰۰۰ منزل ویران کرد و بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر را آواره کرد.

یادداشت هائی در باره جنگ اسرائیل در غزه (۲)

آتش بس موقت چهار روزه

سیاوش دانشور

آنطور که تبلیغات رسانه ها و واکنش سران دولتها در باره "آتش بس موقت" منعکس میکنند، لابد مردم منزجر از نسل کشی فلسطینیان و خود مردم فلسطین که محکوم به نابودی در هولاکاست غزه شدند، باید احساس خوشبختی کنند! مگر نه اینست در چهار روز آتی کشته نمیشویم، لاقل چهار روز فرصت هست به گوشه ای فرار کنیم، شاید نانی برای خوردن پیدا شد، لاقل میتوانیم بیکر تعدادی را از زیر آوار بمباران ها بیرون بیاوریم و جنازه کودکان و عزیزانمان را بخاک بسپاریم!

هر انسان شرافتمندی در کره خاکی خواهان توقف فوری کودک کشی و قتل عام مردم عادی غزه است. هر انسانی از صحنه های کشتار کودکان و مجازات جمعی فلسطینیان توسط حکومت آپارتاید اسرائیل رنج میبرد، خواهان توقف فوری ترور و توحش است. ایجاد هر دست اندازی در پروژه کثیف پاکسازی قومی دولت اسرائیل به فال نیک گرفته میشود و هر اعمال محدودیتی میتواند موثر باشد. اما جدا از خواست فوری بشریت آزادیخواه برای توقف کشتار غیرنظامیان، توقع ما را پائین آورده اند. به مرگ که سهل است، به کشتار جمعی و بازسازی هولاکاست میگیرند که به "تب" کوچاندن و اشغال بیشتر و کوبیدن بیمارستان و مدرسه و کمپ پناهندگی رضایت دهیم. تازه طلبکار هم هستند! هنوز صدای انفجار بمبها و موشک ها خاموش نشده که سران جنایت از هر سو نمایش "پیروزی" میدهند!

یک هدف این جنگهای ارتجاعی عقب راندن توقعات در جوامع امروز است. هرچه بیشتر جوامع را میان آتش جنگ و جنایت جمعی و استیصال غرق کنند، راحت تر میتوانند سقف توقعات را پائین بیاورند و هر عقب نشینی تاکتیکی و جزئی را "پیروزی" و "گامی مهم" تلقی کنند. اما ما باید از چه چیزی خشنود باشیم؟ مگر ما مردم جهان جنگ و ترور و بمباران و کشتار جمعی راه انداختیم؟ نه فقط بانی جنگ، بلکه مانع هر آتش بس از موقت تا توافق برسر کروریدهای انسانی و امن در متن جنگ، همین دولتهای غربی و رسانه های نوکر بودند که بر تداوم نسل کشی اسرائیل در غزه پای فشرده و مخالفت با توقف بمباران مردم غیر نظامی را توجیه کردند. آتش بس موقت کنونی نیز محصول فشار افکار عمومی برای توقف کشتار جمعی مردم فلسطین از یکسو و فشار افکار عمومی اسرائیل روی دولت نتانیاهو برای آزادی گروگانها، اوضاع داخلی بحرانی اسرائیل و فشار سیاسی دولت آمریکا است. قطر میانجی مذاکرات آتش بس و تبادل گروگانها بین اسرائیل و حماس با حمایت و هماهنگی و مشورت دولتهای آمریکا و مصر بوده است. طرحی که هفته های قبل هم میشد اجرا کرد اما آمریکا و اسرائیل مخالف آن بودند. این آتش بس که بکروز به تعویق افتاد و هنوز جزئیات آن منتشر نشده، در این مقطع نیاز دو طرف درگیر بود.

دولت اسرائیل تاکنون پایبند هیچ توافقی نبوده است اما مجموعه ای فاکتورها از جمله انتخابات آمریکا، خواست رفتن نتانیاهو در اسرائیل، فشار خانواده های گروگانها، فشار بزرگ افکار عمومی جهان برای توقف این جنایت جنگی و کودک کشی و نژادپرستی عربیان، تنفسی را تحمیل کرد. آتش بس موقت که در موارد قبلی معمولا شکسته میشد، نهایتا به مبادله تعدادی از گروگانهای اسرائیلی و تعدادی از زندانیان فلسطینی منجر خواهد شد. حماس هم به آتش بس نیاز داشت. حماس و جمهوری اسلامی از روز پنجم جنگ پیشنهاد مذاکره برای تبادل گروگانها را طرح کردند. این چند روز نیز به حماس برای تجدید قوا و



یادداشت هائی در باره جنگ اسرائیل در غزه (۲)

آتش بس موقت چهار روزه

سیاوش دانشور

طلوع خونین "خاورمیانه جدید" با هولاکاست غزه رونمایی شد. قهرمانان این هولاکاست دولت فاشیستی نتانیاها و کمپ دمکراسی غربی و صنعت حقوق بشر و رسانه های مزدور از یکسو و تروریسم اسلامی از جمهوری اسلامی و حماس و حزب الله و "محور مقاومتی" های متفرقه از سوی دیگرند. و باز هم باید از "وقفه بشردوستانه" و مذاکرات تروریستهای دولتی و اسلامی خوشحال باشیم و رسانه ها آنرا بعنوان "نتایج تلاشهای چند هفته ای دیپلماتیک" بخورد ما بدهند. برآستی دنیای وارونه ای است. در این میان فلسطینی ها در منگنه دو ارتجاع گیر افتاده اند، به محاق رفتن مسئله فلسطین و عدم حل آن، کوره ای است که در آن جنگهای آتی حدادی میشود. مسئله فلسطین باید حل شود.

ادامه دارد...

۲۳ نوامبر ۲۰۲۳

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر



وضعیت، اجرای کامل مصوبات ۱۴۰۰، اصلاح فرمول پاداش طبق مدل پرسنل رسمی و قرارداد معین، اصلاح نرخ اضافه کاری، بهره‌مندی از عیدی طبق رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و ... می‌باشد که تاکنون رسیدگی برای تحقق این خواسته‌ها صورت نکرده است.

تجمع مجدد کارگران مجتمع روی مقابل فرمانداری بندرعباس
چهارشنبه یکم آذر ۱۴۰۲ کارگران شرکت روی نسبت به عدم تعیین تکلیف مسائل شرکت و عدم پرداخت حقوق در روز دوشنبه، ۲۹ آبان ماه و چهارشنبه ۱ آذرماه، مقابل فرمانداری بندرعباس تجمع کردند. تنها خواسته تمامی ۲۱۰ کارگر شرکت این بوده که تکلیف کارگران را مشخص کنند.

تجمع اعتراضی پرستاران در سراسر کشور
روز شنبه بیست و هفتم آبان، در آستانه روز پرستار شماری از پرستاران یزد مقابل ساختمان استانداری یزد، پرستاران کرمانشاه، پرستاران و کادر درمان در صومعه‌سرای استان گیلان، پرسنل بیمارستان اسلام آباد غرب، بیمارستان توحید سنندج و پرستاران گیلان مقابل ساختمان معاونت توسعه دانشگاه نسبت به اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست به تجمع زدند. پرستاران معترض خواستار "اصلاح تعرفه های پرستاری و افزایش کارانه و دستمزد خود" می باشند.

اعتراض مجدد پرستاران سنندج و رشت و فسا
همینطور روز چهارشنبه اول آذر ماه، تجمعات اعتراضی مجدد پرستاران در شهرهای رشت و سنندج و فسا در

تجمع اعتراضی کارگران شرکت مناطق نفتخیز جنوب
روز یکشنبه ۲۸ آبان‌ماه ۱۴۰۲ کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت مناطق نفتخیز جنوب واقع در اهواز در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های‌شان مجدداً دست به تجمع زدند. اعتراض کارگران رسمی وزارت نفت نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌های زیر است: *حذف کامل سقف حقوق* حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی *عودت کسورات مازاد مالیات* اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی ناشی از تأخیر در اجرای آن *عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارگران نفت.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت نفت فلات قاره در جزیره سیری و آغاچاری
روز یکشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۴۰۲ کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت نفت فلات قاره واقع در جزیره سیری و همچنین نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های‌شان مجدداً دست به تجمع زدند.

اعتراض صنفی کارگران شرکت نفت فلات قاره منطقه عملیاتی لاوان
صبح روز جمعه ۲۶ آبان ۱۴۰۲ جمعی از کارگران شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان با تجمع خود نسبت به عدم رسیدگی به مطالبات خود دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارگران قرارداد موقت وزارت نفت در اهواز
روز شنبه ۲۷ آبان‌ماه ۱۴۰۲ کارگران قرارداد موقت وزارت نفت در اهواز و در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌های‌شان مجدداً دست به تجمع زدند. اهم خواسته‌های نیروهای قراردادی موقت شامل تبدیل

بهزیستی تفرش تجمع اعتراضی برگزار کردند.

مرگ یک «سیمبان» در حادثه سقوط از ارتفاع تیرک
یک کارگر سیمبان شرکت توزیع برق لاهیجان حین انجام کار بر اثر برق گرفتگی و سقوط از ارتفاع تیرک جان خود را از دست داد. "محمد مرمی" سیمبان جوان و از نیروهای شرکت پیمانکار توزیع برق لاهیجان حین انجام عملیات و رفع مشکل برق‌رسانی دچار حادثه سقوط از ارتفاع تیرک شد و جان باخت. یک فعال کارگری درباره این حادثه گفت: متأسفانه این سیمبان که پیش از این در اداره برق آستانه مشغول کار بود بعد از سقوط به حالت کما رفت و بعد از چند روز جان باخت. پیش از این یکی دیگر از سیمبانان شاغل در حوزه لاهیجان بر اثر برق گرفتگی دچار سوختگی شدید شد و هم اکنون تحت درمان است.

مرگ و مصدومیت ۵ کارگر بر اثر گازگرفتگی
گازگرفتگی در یک کارخانه واقع در شهرک صنعتی شمس‌آباد در جنوب شهر تهران، موجب مرگ دو کارگر و مصدومیت ۳ کارگر دیگر شد. حادثه زمانی رخ داد که ۵ کارگر در زمان استراحت در اتاقک یک کارگاه صنعتی در شهرک صنعتی شمس‌آباد واقع در جنوب شهر تهران؛ به دلیل گازگرفتگی با گاز سمی منوکسیدکربن دچار حادثه شدند. پس از اعلام فوریت‌های پزشکی تهران با حضور گروه‌های امداد و نجات، پیکر بی جان این دو کارگر از محل استراحتگاه به بیرون انتقال یافت و سه کارگر مصدوم نیز به بیمارستان منتقل شدند.

مصدومیت یک کمک لوکوموتیوران بدلیل پرتاب شدن از قطار
یک نفر از کمک لوکوموتیورانان قطار مسافری راه‌آهن مشهد به کرج به نام "حمید طارمی" حین بازرسی موتورخانه، بر اثر باز شدن ناگهانی درب‌های جانبی موتورخانه قطار در حد فاصل منطقه ایستگاه راه آهن ورامین (در بلاک ابردژ به پیشوا) دچار حادثه پرتاب از قطار شد که متأسفانه به دلیل شدت جراحات وارده، وی در ابتدا به بیمارستانی در ورامین و بعد به صورت هوایی به بیمارستان هفتم تیر اعزام شد. به گفته همکاران وی؛ ظاهراً در بلاک لوکوموتیو خطای آتش سوزی رخ داد که آقای طارمی به عنوان کمک لوکوموتیوران برای بررسی موضوع به موتورخانه مراجعه نمود که ناگهان درب جانبی موتورخانه سمت لوکوموتیوران در حین حرکت باز و آقای طارمی به بیرون پرت شد.

مصدومیت دو آتش‌نشان در عملیات اطفاء حریق
در آتش‌سوزی یک ساختمان مسکونی در خیابان خرمشهر بروجرد در استان لرستان، دو آتش‌نشان حین خاموش کردن آتش دچار سوختگی شدند. در این حادثه؛ سه نفر از ساکنین که در طبقه سوم یک ساختمان محبوس شده بودند، توسط این دو آتش‌نشان نجات یافتند.

صدور حکم اعدام برای میلاد زهره وند
مرکز رسانه قوه قضاییه از تایید حکم اعدام میلاد زهره وند از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ توسط دیوان عالی کشور خبر داد. میلاد زهره وند پیشتر به اتهام قتل علی نظری، مامور اطلاعات سپاه پاسداران در ملایر به اعدام محکوم شده بود.

تداوم بازداشت و بلاتکلیفی ماشالله کرمی در زندان کرج
ماشالله کرمی، پدر محمد مهدی کرمی، معترض اعدام شده، علیرغم گذشت هشتاد و هفت روز از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در ندامتگاه مرکزی کرج بسر میبرد. یک منبع مطلع گفت: "آقای کرمی علیرغم گذشت هشتاد و هفت روز از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در قرنطینه ندامتگاه مرکزی نگهداری میشود".

تداوم بلاتکلیفی کارگر زندانی رضا اقدسی
خانواده رضا اقدسی اعلام نمودند که برابر ابلاغیه قبلی جلسه دادگاهی رضا اقدسی در تاریخ ۲۰ آبان کنسل و به ۲۷ آبانماه

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

اعتراض به شرایط پرداختی در تعرفه گذاری و معوقات ۱۶ ماهه برگزار شدند.

تجمع اعتراضی کشاورزان اصفهان مقابل استانداری
شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۲ کشاورزان اصفهان نسبت به عدم رسیدگی به مشکلاتشان در مقابل استانداری این استان دست به تجمع و اعتراض زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی
روز یکشنبه ۲۸ آبان‌ماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز، شوش، اراک و کرمانشاه در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل سازمان تأمین اجتماعی این شهرها دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات
روز دوشنبه ۲۹ آبان‌ماه ۱۴۰۲ جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در شهرهای زاهدان، تبریز، کرمانشاه، مریوان، اردبیل، زنجان، بندرعباس، اصفهان، خرم‌آباد، رشت، شیراز، بیجار، تهران، بروجرد، ارومیه، ساری و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته‌ی دوشنبه‌های اعتراضی، مقابل شرکتهای مخابرات دست به تجمع زدند.

تجمع بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان و تهران
روز یکشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۲ بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان و تهران در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل ساختمان صندوق فولاد این شهر دست به تجمع زدند. در اصفهان و شیراز نیز تجمعات اعتراضی تعدادی از شاغلین و بازنشستگان صنعت نفت برگزار شد.

تجمع مشترک بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی
روز سه‌شنبه ۳۰ آبان‌ماه ۱۴۰۲، جمع‌هایی از بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری مجدداً در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان در اهواز، یزد، اردبیل، ایلام در مقابل ساختمان استانداری استانها، در کرمانشاه و ممسنی استان فارس مقابل ساختمان اداره کار و امور اجتماعی و در تهران مقابل وزارت کار دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی معلولان در استانها
روز شنبه بیست و هفتم آبان، جمعی از افراد دارای معلولیت در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و عدم اجرای ماده ۲۷ قانون معلولان در اردبیل، اراک و خوزستان در مقابل سازمان بهزیستی استانهای مذکور و در مشهد در مقابل سازمان بهزیستی خراسان رضوی و سپس در مقابل دفتر نماینده مشهد در مجلس، تجمع برگزار کردند.

تجمع اعتراضی مقابل بهزیستی تفرش
یکشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۲ دو فرد دارای معلولیت در هشتمین تجمع سراسری و در اعتراض به عدم اجرای ماده ۲۷ قانون معلولان مقابل

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

۱۴۰۲ تغییر یافته است. امروز هم مجدداً بدون هیچ توضیحی جلسه دادگاهی وی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران کنسل شد و این امر موجب نگرانی شدید خانواده از وضعیت وی شده است.

صدور حکم حبس برای خبات دهدار

خبات دهدار، فعال کارگری اهل سنندج توسط دادگاه انقلاب این شهرستان به یک سال حبس تعلیقی محکوم شد. براساس حکمی که توسط شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج صادر و به وی ابلاغ شده، آقای دهدار از بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعلیقی محکوم شده است. خبات دهدار، فعال کارگری در تاریخ بیست و هشتم شهریورماه بازداشت و نهایتاً در تاریخ هشتم مهرماه، با تودیع وثیقه آزاد شد.

هاجر سعیدی روانه زندان شد

روز شنبه ۲۷ آبان‌ماه ۱۴۰۲، هاجر سعیدی فعال جنبش زنان و کارگری شهر سنندج، جهت گذراندن یک سال حکم حبس تعزیری راهی بند زنان زندان مرکزی سنندج شد. هاجر سعیدی توسط شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی سعیدی با اتهام "اجماع و تبانی از طریق تشکیل هسته کمونیستی برای ترغیب خانواده جانبازان" و "اقدام علیه امنیت ملی" محاکمه و به دو سال حبس تعزیری محکوم شده بود. حکم صادره در شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان کردستان با ریاست قضات مهری و آقایی به یک سال حبس تعزیری کاهش یافت. نهایتاً حکم صادره علیه هاجر سعیدی طی ابلاغیه‌ای از سوی شعبه چهارم اجرای احکام کیفری سنندج به ایشان ابلاغ شد و نامبرده می‌بایست ظرف مدت ده روز خود را به شعبه مذکور جهت اجرای حکم معرفی کند.

بازداشت چند تن از فعالان اجتماعی

روز دوشنبه ۲۹ آبان ماه، چند تن از فعالین اجتماعی بدون اطلاع قبلی و اطلاع رسانی جهت حضور و معرفی برای اجرای احکام بازداشت شدند. احکام ۵ سال حبس آقایان محمدعلی زحمتکش و افشین رزمجویی و ۲ سال حبس تعزیری خانم مژگان باقری اجرا و هر سه نفر در منزلشان دستگیر شدند. همچنین اجرای حکم ۲ سال پابند آقای عبدالرزاق امیری و خانم زهرا اسفندیاری نیز اجرا گردید. این در حالی است که در ۱۳ مهرماه آقایان ایرج رهنما و غلامرضا غلامی‌کندازی در فرمانداری شیراز و آقای اصغر امیرزادگان در فیروز آباد دستگیر و برای اجرای حکم ۵ سال حبس روانه زندان شدند.

رسول بدافی به زندان بازگشت

رسول بدافی، فعال صنفی معلمان و از اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران عصر روز دوشنبه ۲۹ آبان ماه با پایان مرخصی سه روز خود به زندان بازگشت.

توماج صالحی به قید وثیقه آزاد شد

توماج صالحی پس از تحمل ۲۵۲ روز زندان انفرادی و مجموعاً یک سال و بیست‌ویک روز حبس ناعادلانه، سرانجام روز ۲۷ آبان به قید وثیقه از زندان آزاد و به جمع خانواده بزرگ خود بازگشت.

مسعود زینال زاده از زندان اوین آزاد شد

صبح امروز آقای زینال زاده فعال صنفی معلمان و از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران از زندان اوین آزاد شد. این فعال صنفی پیش‌تر همراه جمعی از فعالین مدنی در مراسم آرمیتا گراوند بازداشت شده بود و به زندان اوین منتقل شده بود.

شکنجه ای به نام اعدام مصنوعی در زندانهای رژیم احمدرضا حائری، زندانی سیاسی، در نامه‌ای به شرح جزئیات اعدام مصنوعی سامان یاسین (صیدی) پرداخت. در قسمتی از این نوشته از زبان سامان آمده: مامور گفت: "وصیتی اگر داری بنویس". گفتیم: "قبلاً نوشتیم توی وسائلم هست". بعد از یک ساعت چرخیدن، ماشین نگه داشت، نمی‌دانستم کجا هستیم! یکی از مامورانی که همراه بودند به نفری که از قبل آنجا بود گفت: "حاجی برای اجرا آوردیمش". چند قدم جلوتر مامور اولی گفت: "پات را بلند کن جلوت سکو است" و بعد از قرار گرفتن روی سکو گفت: "حاجی بندازم؟" مامور مسن‌تر پاسخ داد: "آره! اما چون جوونه! گناه داره! سعی کن طناب را کج بندازی که موقع افتادن درجا گردنش بشکند و خیلی زجر نکشه"، بعد سوزش طنابی را دور گردنم حس کردم". در ادامه می‌خوانیم: صدای زنگ زدن گوشی تلفن همراهی به گوشم رسید و صدای همان مامور که می‌گفت: "پس فعلاً دست نگه داریم؟ یه فرصت دیگه بهش دادید همکاری کنه؟ خدا خیرت بده حاجی! آره جوونه! باشه حاجی!".

اعتصاب دانشجویان دانشکده کامپیوتر

روز چهارشنبه اول آبان دانشجویان دانشکده کامپیوتر دانشگاه شریف در حمایت از دانشجویان دانشگاه بهشتی دست به اعتصاب زدند.

سرکوب اجتماع مالباختگان در قزوین

روز پنجشنبه ۲ آذرماه، راهپیمایی بزرگ مالباختگان خریدار خودرو در قزوین توسط نیروهای یگان ویژه و ماشین آپایش سرکوب شد. شرکت "رضایت خودروی طراوت نوین" که شرکتی خصوصی است که با حمایت سپاه و اعتماد به نفس کامل میلیاردها پول مردم را بالا کشیده است، با گذشت ماه‌ها از بالا کشیدن پول مردم، پاسخ‌گوی هیچ بخش از قراردادی که با خریداران داشته نیست. مالباختگان این شرکت پیش از این نیز بارها در برابر نمایندگی‌های این شرکت در تاکستان و قزوین، دادگستری قزوین و در محل نماز جمعه‌های این شهر اعتراض کرده بودند. بعد از چند هفته امر و مجدداً دست به اعتراض زدند و با سرکوب نیروهای انتظامی اجتماعشان متفرق شد.



آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

uk

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!